



Role of Individual and Social Variables in Creating Social Vitality (Happiness) in the City of Birjand, Iran

Monireh Ghanbari¹, Seyyed Hadi Hosseini^{2*}, Hossein Ghodrati³

1- Master of Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran; m_ghanbari1388@yahoo.com

2- Assistant Professor of Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran (Corresponding author); Sh.hosseini@hsu.ac.ir

3- Assistant Professor of Sociology, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran; h.ghodrati@hsu.ac.ir

Original Article

Abstract

Background and Aim: The research aims are to know the status of social vitality (happiness) in Birjand and investigate the role of individual and social factors in this variable. Since social happiness and vitality is one of the main and ultimate goals of all city development programs, understanding this phenomenon and the role of various factors in its improvement can create a context for building capital and social cohesion and improving the quality of life of citizens.

Methods and Data: This research was conducted in six neighborhoods with three different types of urban textures. The research method was descriptive and analytical. The statistical population was citizens over 15 years old and the sample included 400 people.

Findings: The results showed that there is an inverse relationship between the age variable and social vitality. No significant difference was observed in the social vitality of women and men. Single people had higher social vitality than married people and working and student people had higher social vitality than other occupational groups and there was a significant difference between them. A positive and significant relationship was observed between the three variables of social justice, social capital, and social participation with social vitality.

Conclusion: Based on the findings, it can be said that having suitable housing and better income and living in privileged areas are not necessarily related to increasing happiness and social vitality, and many socio-cultural and spatial factors should be considered.

Keywords: Social vitality, Happiness, Social justice, Social capital, Birjand.

Key Message: Considering that place and space define primary manifestation of every human activities, individual and social changes in different locations can influence social happiness. Therefore, it is important to pay attention to the role of spatial variables in the formation and continuity of happiness and social vitality.

Received: 22 May 2022

Accepted: 08 September 2022

Citation: Ghanbari, M., Hosseini, S.H., Ghodrati, H. (2022). Role of Individual and Social Variables in Creating Social Vitality (Happiness) in Birjand City, Iran. *Journal of Social Continuity and Change*, 1(1): 151-171. <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.18480.1027>





نقش متغیرهای فردی و اجتماعی در ایجاد نشاط اجتماعی در شهر بیرجند

منیره قنبری^۱، سیده‌های حسینی^{۲*}، حسین قدرتی^۳

۱- دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران؛ m_ghanbari1388@yahoo.com

۲- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول)؛ sh.hosseini@hsu.ac.ir

۳- دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران؛ h.ghodrati@hsu.ac.ir

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: این پژوهش به دنبال شناخت وضعیت نشاط اجتماعی در شهر بیرجند و بررسی نقش متغیرهای فردی و اجتماعی در کم و کیف این متغیر است. از آنجائی که نشاط اجتماعی یکی از اهداف اصلی و غایی همه برنامه‌های توسعه شهری می‌باشد، تلاش برای فهم این پدیده و نقش عوامل مختلف در تغییر و بهبود آن می‌تواند بسترساز ایجاد سرمایه و انسجام اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان باشد.

روش و داده‌ها: این پژوهش در ۶ محله از سه گونه متفاوت بافت شهری انجام گردید. روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی و جامعه آماری شهروندان بالای ۱۵ سال با حجم نمونه ۴۰۰ نفر بود.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان داد که رابطه‌ای معکوس و معنی‌داری بین متغیر سن و نشاط اجتماعی وجود دارد. تفاوت معنی‌داری در نشاط اجتماعی زنان و مردان مشاهده نگردید. افراد مجرد نسبت به افراد متأهل و افراد شاغل و محصل نسبت به سایر گروه‌های شغلی از نشاط اجتماعی بالاتری برخوردارند. بین سه متغیر عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی با نشاط اجتماعی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار مشاهده گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: بر مبنای یافته‌ها، می‌توان گفت که لزوماً برخورداری از مسکن مناسب و درآمد بهتر و سکونت در مناطق برخوردار با افزایش نشاط اجتماعی توأم نیست و عوامل متعدد اجتماعی- فرهنگی و مکانی باید مد نظر قرار گیرند.

واژگان کلیدی: نشاط اجتماعی، عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، شهر بیرجند

پیام اصلی: با توجه به آنکه مکان و فضا، کانون اصلی تجلی فعالیت‌های انسانی می‌باشد، در کنار توجه به نقش متغیرهای اجتماعی و فردی، توجه به نقش متغیرهای مکانی- فضایی در شکل‌گیری و تداوم پدیده‌های اجتماعی همانند نشاط اجتماعی بسیار ضروری است، چرا که متغیرهای فردی و اجتماعی نیز در موقعیت‌های مکانی متفاوت می‌توانند اثرات متفاوتی بر نشاط اجتماعی داشته باشند.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴

ارجاع: قنبری، منیره؛ حسینی، سیده‌های؛ قدرتی، حسین (۱۴۰۱). مطالعه نقش متغیرهای فردی و اجتماعی در ایجاد نشاط اجتماعی در شهر بیرجند، تداوم و

تغییر اجتماعی، ۱(۱): ۱۷۱-۱۵۱. <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.18480.1027>



مقدمه و بیان مسأله

عوارض رو به تزاید زندگی ماشینی، در کنار اضطراب‌های فکری و تنش‌های روانی ناشی از عصر تکنولوژی، منجر به کاهش نشاط اجتماعی انسان مدرن شده است (مازوچی، ۱۳۹۱: ۱۲۱) و این در حالی است که احساس نشاط یکی از نیازهای اساسی نوع بشر در تمامی فرهنگ‌ها به شمار می‌رفته است (Kaushik et al, 2011: 39) و استنباط بشر نیز از غایت زندگی، رسیدن به نشاط و شادی بوده است.

شهرها بدون شک پدیده غالب قرن ۲۱ می‌باشند. زندگی شهری و مدرن امروزی با وجود آن که با دست‌یابی به آخرین و به روزترین فناوری‌ها توانسته است جریان زندگی مردم را نسبت به گذشته بسیار آسان‌تر نماید، اما این نوع زندگی همراه با خود مشکلات متعدد اجتماعی و فرهنگی را به ارمغان آورده است. شهرهای امروزی، تبدیل به مکان‌هایی شده‌اند که آستن ضد خویش‌اند، آنها هم مهد تمدن و علم و تکنولوژی‌اند و هم مایه درد و رنج، مصرف‌گرایی، تنزل حیات انسانی و تخریب طبیعت‌اند (پورا احمد و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸).

هرچند که فیلسوف بزرگی چون سقراط در پنج قرن پیش از میلاد، شاد زیستن و زندگی با نشاط را به عنوان هدف اصلی از ایجاد شهر بیان نموده است (شمس‌الدینی، ۱۳۹۲: ۵۵)، ولی متأسفانه در رویکردهای کالبد محور نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری در اوایل قرن بیستم (به خصوص در ایران)، موضوع نشاط اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفت و تصور این که با حل مسائل کالبدی، بسیاری از مشکلات شهرها نیز قابل حل خواهد بود، باعث بی‌توجهی و مغفول ماندن ابعاد دیگر زیست شهری همچون کیفیت زندگی، بهزیستی ذهنی و ... گردید.

در چنین شرایطی از دهه‌های پایانی قرن بیستم به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته و با آشکار شدن تأثیر محیط‌های شهری بر ابعاد گوناگون سلامت انسان (Arundel & Ronald, 2017; Van den Berg et al., 2016; Litman, 2017) موضوع نشاط اجتماعی نیز به عنوان یک موضوعات محوری در کانون مباحث و مطالعات برنامه‌ریزان شهری قرار گرفت. از این رو تلاش‌های گسترده‌ای از سوی محققان برای عطف توجهات سیاست‌گذاران و مدیران به موضوع شادی و نشاط اجتماعی به عنوان موضوع محوری در فضاهای شهری صورت گرفت (Hogan et al., 2016; Ballas, 2013; Cloutier et al., 2014; Nie & Poza, 2016; Paralkar et al., 2017). با این وجود، متأسفانه همچنان ایجاد نشاط اجتماعی و عمومی یکی از مؤلفه‌های محوری گم‌شده در عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است.

در جامعه‌ای مانند ایران به عنوان کشوری در حال توسعه و تغییر، سرزندگی و نشاط عوامل انسانی از اهمیت بالایی در مسیر توسعه برخوردار است. در حالی که در مورد تأثیر کیفیت محیط شهری و نحوه طراحی و برنامه‌ریزی آن بر ایجاد نشاط اجتماعی در بین شهروندان ایرانی، کمتر بحث شده است و مطالعاتی که به طور مستقیم به این موضوع بپردازد، انگشت شمارند. در نظریه‌های شهرسازی نیز موضوع نشاط اجتماعی به صورت مستقیم کمتر مورد توجه قرار گرفته است و اغلب در قالب مفهوم سرزندگی^۱ و زیست‌پذیری به این موضوع اشاره شده است (لطیفی و دیگران، ۱۳۹۳؛ بخارایی و دیگران، ۱۳۹۷؛ هدایت‌نژادکاشی و دیگران، ۱۳۹۸؛ نهایندی، ۱۳۹۹). این در حالی است که شرایطی چون جوانی بالای جمعیت، رشد شهرنشینی و ماهیت در حال گذار جامعه، تغییرات اساسی را در بنیان‌های زیستی و رفتاری جامعه ایرانی ایجاد کرده است. این تغییرات شتاب‌آلود و تأخر ساختاری موجود در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی متنوعی بر جامعه ایران تحمیل نموده است. میزان استرس و اضطراب در سطوح فردی، خانوادگی و

^۱ برای سرزندگی شهری برابر نهادهای مختلفی همچون Liveliness, Livability, Viability و Vitality اشاره شده است.

اجتماعی در ایران بالاست و عوامل تهدیدکننده اجتماعی از قبیل مشکلات شغلی، مشکلات اقتصادی، مشکلات حمل و نقل، آلودگی‌ها و غیره به طور روزمره با مردم در ارتباط هستند و میزان نگرانی‌های آنان را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، متأسفانه مراقبت و حمایت‌های فردی و اجتماعی کافی و توانمندسازی افراد آسیب‌دیده‌ی روانی وجود ندارد و این موضوع صدمات و آسیب‌های کاهش نشاط اجتماعی بر سلامت مردم جامعه را دو چندان کرده است. نتایج پژوهش وضعیت نشاط اجتماعی در ایران که توسط مرکز رصد فرهنگی کشور تهیه شده است گویای آن است که نمره شادی ایرانیان طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱ از ۱۱۵ به ۱۱۸ افزایش یافته است و میانگین نمره نیز از ۵/۳ به ۴/۷ کاهش یافته است (حسینی‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۵). بر این اساس، این پژوهش به بررسی وضعیت نشاط اجتماعی و تعیین‌کننده‌های فردی و اجتماعی آن در شهر بیرجند می‌پردازد و برای هدایت فرآیند پژوهش، پرسش‌های زیر به عنوان محور پژوهش مطرح گردیدند.

- وضعیت نشاط اجتماعی شهروندان شهر بیرجند چگونه است؟
- آیا وضعیت نشاط اجتماعی شهروندان در بافت‌های مختلف شهری متفاوت است؟
- مهم‌ترین متغیرهای فردی تأثیرگذار بر نشاط اجتماعی افراد کدامند؟
- مهم‌ترین متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار بر نشاط اجتماعی افراد کدامند؟

مرور پیشینه تحقیق

سابقه پژوهش‌های مربوط به نشاط اجتماعی کوتاه نیست و ریشه‌های آن را در سده اخیر می‌توان در کارهای سازمان‌های نظرسنجی آمریکا در سال ۱۹۶۰ جستجو نمود. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته تا اواخر دهه ۱۹۹۰ عمدتاً نشاط اجتماعی را در حوزه موضوعات صرف اجتماعی و روانی مورد بررسی قرار می‌داده‌اند، مانند پژوهش «گزارش‌هایی درباره نشاط» از برادبورن و کپلویتز که بر تأثیر بیشتر فعالیت، مشارکت اجتماعی و موقعیت اجتماعی نسبت به عوامل محیطی در افزایش نشاط اشاره داشت (Bradburn & Caplovits, 1965)، پژوهش‌های فیلیپس با عنوان «مشارکت اجتماعی و نشاط» و «بررسی رابطه بهداشت روانی و مشارکت اجتماعی با نشاط» (Philips, 1967)، پژوهش لو و آرگایل با عنوان (Lu & Argyle, 1991) «نشاط و مشارکت»، پژوهش کوپر با عنوان «فعالیت اجتماعی و نشاط» (Cooper, 1992)، کتاب سه جلدی همبسته‌های نشاط از وینهوون (Veenhoven, 1992) و پژوهش هالر و هادلر با عنوان «چگونه روابط و ساختار اجتماعی می‌توانند شادی و ناشادی تولید کنند» (Haler & Hadler, 2006).

طی سال‌های اخیر با توجه به رشد تعداد شهرها و نرخ شهرنشینی، موضوع نشاط اجتماعی شهروندان و به خصوص چگونگی تأثیرگذاری محیط مصنوع (ساخته شده) شهری بر نشاط اجتماعی شهروندان به یکی از موضوعات مهم در مطالعات پژوهشگران تبدیل شده است. به عنوان نمونه، بالاس در پژوهش «چه چیزی یک شهر شاد را می‌سازد» به تئوریزه کردن ارتباط بین کیفیت زندگی و شادی می‌پردازد و به طور خاص بر نقش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی بر روی نشاط و بهزیستی ذهنی شهروندان تأکید می‌کند (Ballas, 2013). وکر و کیزمان (Wolker & Kistemann, 2011) و مک کورن و موراتو (MacKerron & Mourato, 2013) در پژوهش‌های خود بر نقش محیط‌ها و چشم‌اندازهای طبیعی بر سلامت ذهنی و شادی شهروندان تأکید دارند. هوگان و دیگران به بررسی تأثیر مکان و طراحی شهری بر روی سلامت، بهزیستی و شادی در طول عمر شهروندان در ۵ شهر برلین، پاریس، لندن، تورنتو و

نیویورک پرداختند (Hogan et al, 2016). نای و پوزا به تأثیر نقش زمان سفر بر روی شادی و رضایتمندی از زندگی شهروندان پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد که افزایش زمان سفر بر میزان رضایت از زندگی و شادی تأثیر منفی دارد (Nie & Poza, 2016). کلوتیر و دیگران (Cloutier et al., 2014) و همچنین پارالکا و دیگران (Paralkar et al., 2017) به بررسی و ارزیابی ارتباط بین شاخص پایداری محله و نشاط اجتماعی پرداختند. کرکل و دیگران (Kerkel et al., 2016) در پژوهش خود به ارتباط بین کاربری زمین و بهزیستی ذهنی و نشاط شهروندان پرداختند. یافته‌های آنها گویای ارتباط معنی‌دار بین دسترسی به فضاهای سبز شهری و رضایت از زندگی و نشاط اجتماعی شهروندان می‌باشد. تیواری در پژوهشی به بررسی ارتباط بین فرسایش و تخریب محیط زیست و ارتباط شان با شادی در ۲۱ کشور بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۵ پرداخته است که نتایج گویای رابطه مثبت بین این دو متغیر می‌باشد (Tiwari, 2011).

بخش عمده مطالعات مرتبط با نشاط اجتماعی در ایران عمدتاً در حوزه علوم اجتماعی و روانشناسی می‌باشند. برای مثال، نتایج پژوهش شریف‌زاده و دیگران (۱۳۹۶) که به روش فراتحلیل انجام گرفته است، نشان داد که متغیرهای رضایت از زندگی، عزت نفس، دینداری و ارتباط اجتماعی، به نسبت سایر متغیرها، تأثیر زیادی بر نشاط اجتماعی در ایران دارند. نتایج پژوهش کلانتری و دیگران (۱۳۹۵) بر وجود رابطه معنی‌دار بین سرمایه اجتماعی و نشاط اجتماعی اشاره دارد. نتایج پژوهش میکائیلی و دیگران (۱۳۹۶) بیانگر وجود رابطه مثبت معنی‌دار بین انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی، میزان درآمد خانوار و سن با نشاط اجتماعی و نیز وجود رابطه معنی‌دار بین میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، جنسیت و وضعیت تأهل افراد با نشاط اجتماعی می‌باشد. از پژوهش‌های مرتبط دیگر می‌توان به خادمیان و فرجی (۱۳۹۱)، هزارجریبی و مرادی (۱۳۹۳) و عنبری و حقی (۱۳۹۳) اشاره نمود.

نشاط اجتماعی در مطالعات حوزه برنامه‌ریزی و معماری شهری نیز در قالب استعاره شهر شاد طی سال‌های اخیر مورد توجه برخی محققان قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به پژوهش اورکی و دیگران (۱۳۹۸)، نوریان و دیگران (۱۳۹۹)، حاتمی (۱۳۹۹)، سجادیان و دامن باغ (۱۴۰۰)، رضاعلی و دیگران (۱۴۰۰)، حکمت نیا و دیگران (۱۴۰۰) و جمینی و دیگران (۱۴۰۰) اشاره نمود.

چارچوب نظری پژوهش

تحقیقات نشان می‌دهد که نشاط اجتماعی صرف‌نظر از چگونگی کسب آن می‌تواند سلامتی جسمانی را بهبود بخشد. افرادی که شاد هستند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند، دارای روحیه مشارکتی بیشتری هستند و نسبت به کسانی که با آنها زندگی می‌کنند، بیشتر اظهار رضایت می‌کنند (Mayers, 2000). در دو دهه گذشته پژوهش در خصوص نشاط، افزایش چشمگیری یافته است به طوری که از سال ۲۰۰۰، سازمان ملل متغیرهایی چون نشاط، امید به آینده، خشنودی و رضایتمندی افراد جامعه را از متغیرهای کلیدی سنجش توسعه یافتگی کشورها لحاظ می‌کند (حقیقی و دیگران، ۱۳۹۱:۱۳۱).

تعریف مفهوم نشاط علی‌رغم آن که ساده به نظر می‌رسد، دشوار است. در فرهنگ معین، در ذیل واژه نشاط به کلماتی چون شادمانی، خوشی و سبکی اشاره شده است. در لغت‌نامه دهخدا نیز کلماتی چون شادمانی، خوشی، سرور، شادی، خرسندی، سرزندگی در ذیل این کلمه آورده شده است. در فرهنگ عمید نیز ذیل واژه نشاط کلماتی چون شادی، شادمانی، خوشحالی، خوشی آورده شده است. واژه نشاط در ادبیات فارسی و به ویژه در میان عوام، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و عمدتاً از واژه شادی برای بیان احساسات استفاده می‌گردد و

حتی در گزارش مرکز رصد فرهنگی کشور که به بررسی وضعیت نشاط اجتماعی ایرانیان در سال ۱۴۰۰ پرداخته است، در تعریف مفهومی و در بخش نظری، واژه شادی است که مورد واکاوی نظری قرار گرفته است.

با وجود تنوع واژگان برابر نهاد نشاط در زبان فارسی، در زبان انگلیسی، برابر نهاد عینی برای واژه نشاط وجود ندارد و عموماً در پژوهش‌ها از واژه Happiness استفاده می‌گردد و عمده محققان نیز در عناوین پژوهش‌های خود از این مفهوم بیشتر استفاده کرده‌اند (Veenhoven, 1998; Zingerle, 2000; Helliwell et al., 2016). اما ترجمان این واژه در زبان فارسی با واژه‌های متعددی چون نشاط، شادی، شادمانی، شادکامی بیان شده است. به عنوان مثال شریف‌زاده و دیگران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای مروری و فراتحلیل عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی در ایران، در ادبیات نظری واژه‌های مختلفی چون شادی، شادکامی، شادمانی در کنار یکدیگر برای اشاره به مفهوم نشاط آورده است.

شادی که معادل عربی آن، فرح و سرور است، به معنای خوش‌حالی و خشنودی است که نمود آن بیشتر در خنده و تبسم است، ولی نشاط به معنای سرحال‌بودن و سرزندگی و میل و رغبت به کار داشتن است که در فعالیت و تکاپو آشکار می‌شود. از این‌رو، می‌توان گفت گاهی نشاط و شادی، هر دو با هم جمعند و آن زمانی است که فرد هم شاد است و هم سرحال و بانشاط و زمانی از هم جدایند؛ یعنی گاهی فردی بانشاط و سرحال است، ولی شاد نیست. به عبارتی، او کارهای خود را با میل و رغبت انجام می‌دهد، ولی خندان نیست و در مقابل، گاهی فردی شاد و خندان است، ولی نشاط لازم برای انجام امور خود را ندارد. به بیانی دیگر، شادی به معنای خوشحالی یا لذت‌های زودگذر است و بیشتر در حوزه لذت‌های جسمانی و آنی مطرح می‌باشد، در حالی که نشاط از پایداری و عمق بسیار بیشتری نسبت به شادی برخوردار است (Ott, 2005).

نشاط، عبارت است از هیجانات مثبت درونی که انقباض روانی را از بین می‌برد و موجب انبساط خاطر و نشاط و پویایی می‌گردد (فهرستی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۰). در گزارش وضعیت نشاط اجتماعی در ایران در تعریف شادی (که در این گزارش مترادف با نشاط در نظر گرفته شده است) عنوان می‌کند که شادی عبارت است از ارزیابی مثبت افراد از کلیت زندگی یا بخش‌های متعدد آن (رضایت از زندگی)، بروز صفات و عواطف (احساسات) خوشایند روانی (همانند خوشحالی، امیدواری، دلگرمی، احساس ارزشمندی، راحتی و آرامش ذهن و ...) و نیز ظهور علائم و علائق مثبت اجتماعی در افراد. از این‌رو، شهروندان شاد و بانشاط کسانی هستند که ارزیابی مثبتی از خویش براساس قضاوت در مورد زندگی خود دارند، احساس خوش و مثبتی نسبت به آن به دست می‌آورند و از این حیث علائم اجتماعی مثبتی از خویش بروز می‌دهند (حسینی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۳).

مرور مطالعات مختلف گویای آن است که نظریات مربوط به حوزه نشاط و تعیین‌کننده‌های مرتبط با آن، عموماً در ذیل دو حوزه جامعه‌شناسی و روانشناسی قرار می‌گیرند. دغدغه اصلی روانشناسان در مواجهه با نشاط، پاسخ به این پرسش بود که آیا شادی امری عاطفی است یا شناختی و در نهایت وفاق علمی بر این موضوع شکل گرفت که شادی از سه عنصر عاطفه مثبت، نبود عاطفه منفی و رضایت از زندگی تشکیل شده است (Rojas, 2005). تئوری‌هایی که در حوزه روانشناسی مفهوم نشاط را تبیین می‌کنند؛ می‌توان در قالب نظریات شخصیتی و شناختی طبقه‌بندی نمود. در نظریات شخصیتی اعتقاد بر این است که جنبه‌های مهم رفتار و تجربه افراد را می

توان با تعداد محدودی از ابعاد شناخت، بدین معنا که صفات شخصیتی خاصی وجود دارد که با نشاط پیوند دارند. به عنوان نمونه داینر و دیگران (۱۹۹۹) معتقد هستند که ویژگی‌های شخصیتی تبیین‌کننده نزدیک به نیمی از احساس خوشبختی هستند.

آرگایل (۱۳۸۶) معتقد است که بین عزت نفس به عنوان یک متغیر شخصیتی با احساس نشاط رابطه وجود دارد. همچنین دینوو کوپر و وارت نیز بر ارتباط نزدیک بین عزت نفس و شادی اشاره دارند (میرشاه‌جعفری و دیگران، ۱۳۸۱: ۹۸). در سوی مقابل و در نظریات شناختی اعتقاد بر این است که نشاط فراورده تفکر انسان و بازتاب ادراک و آگاهی از تمایز بین واقعیت زندگی و ایدآل‌های فرهنگی و اجتماعی است و فاصله و شکاف کمتر میان این دو، معرف میزان شادی افراد خواهد بود. در این رویکرد اعتقاد بر این است که رفتار یک شخص به شیوه درک فرد از موقعیت‌های اجتماعی بستگی دارد (زکی، ۱۳۹۹: ۸).

اما جامعه‌شناسان، تبیین نشاط را در بافت اجتماعی و شرایط خاص دنبال می‌کنند. مهم‌ترین چالش برای جامعه‌شناسان فهم این موضوع بود که شادی امری اجتماعی است یا بیولوژیکی؟ جامعه‌شناسی احساسات برای فهم این موضوع در دو جبهه مقابل هم شامل اثبات‌گرایی و برساخت‌گرایی اجتماعی رشد یافت. در اثبات‌گرایی، احساسات امری بیولوژیکی تلقی می‌شود که به صورت ناگهانی در افراد بروز می‌کند و قابل مشاهده عینی است و در رویکرد ساخت‌مندی اجتماعی، احساسات را تولیدات فرهنگی اجتماعی قلمداد می‌کند که به شکل معنی‌داری ذهنی است (حسینی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۵).

در واقع جامعه‌شناسان، نشاط را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند و از آنجا که پدیده‌های اجتماعی دارای علل اجتماعی هستند، برای تبیین این پدیده به دنبال عوامل اجتماعی هستند. به نظر جامعه‌شناسان، امکانات عاطفی یکی از منابعی است که افراد در طی روابط اجتماعی در متن جامعه مبادله می‌کنند و از آنجا که احساس نشاط یکی از حالت‌های عاطفی است بنابراین با گسترش روابط اجتماعی، احساس نشاط افراد نیز افزایش می‌یابد (زکی، ۱۳۹۹: ۹). در پژوهشی، پاتنام و همکارانش دریافتند که افرادی که از نظر روابط اجتماعی مهارت بیشتری دارند، نسبت به افرادی که از نظر مالی ثروتمندتر هستند اما روابط اجتماعی مطلوبی ندارند، شادتر هستند (میرشاه‌جعفری، ۱۳۸۱: ۳۴). برخی از محققان اجتماعی، به نقش اعتماد اجتماعی در ایجاد نشاط اجتماعی در جامعه اشاره دارند. اعتماد نقطه کانونی شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و ایجاد تعاملات اجتماعی است و به نظر گیدنز، متزلزل شدن ریشه‌های اعتماد در جامعه یکی از تهدیدهای اصلی نشاط و شادی می‌باشد. بررسی‌های دولان و همکاران در مروری بر بیش از ۱۰۰ پژوهش، نشان دادند که بین شاخص اعتماد (اعتماد بیشتر به دیگران و اعتماد به نهادهای عمومی) با نشاط رابطه مستحکمی وجود دارد (Dolan et al., 2008). به علاوه، تاو و داینر نشان داده‌اند که کشورهای دارای نشاط بیشتر، امتیاز بالاتری در اعتماد تعمیم‌یافته، حضور داوطلبانه در گروه‌ها و گرایش‌های دموکراتیک‌تر به دست آورده‌اند (Kesebir et al., 2008: 11).

در کنار رویکردهای روانشناختی و جامعه‌شناختی به نشاط اجتماعی، با گسترش روزافزون شهرها و سیطره محیط‌های مصنوع شهری بر زندگی انسان، طی سال‌های اخیر موضوع نشاط اجتماعی به یکی از موضوعات مورد علاقه در پژوهش‌های معماری و برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است و مطالعات متعددی کوشیده‌اند به بررسی نقش ویژگی‌های محیط مصنوع شهری در ایجاد نشاط اجتماعی بپردازند که از آن جمله می‌توان به پژوهش بالاس (۲۰۱۳) با عنوان «چه چیزی یک شهر شاد می‌سازد»، کتاب چارلز مونتگومری^۲

1. Tov & Diener

2. Charles Montgomery

(۲۰۱۳) با عنوان «شهر شاد: تحول زندگی‌مان از طریق طراحی شهری» و کتاب «شهر شاد - چگونه بهترین مناطق قابل زندگی (زیست پذیر) را برای مردم برنامه‌ریزی و ایجاد کنیم» تألیف آنا و هالینا بردلاک^۱ (۲۰۱۷) اشاره نمود. مباحثی چون ایجاد شهرهای انسانی، سرزندگی شهری، شهرهای دوستدار پیاده‌رو ... همه مباحثی هستند که در راستای افزایش کیفیت زندگی در محیط‌های شهری و افزایش نشاط اجتماعی طرح گردیده‌اند.

روش و داده‌های تحقیق

روش تحقیق، توصیفی زمینه‌یابی (پیمایشی) و همبستگی است. ابزار اصلی تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته و استاندارد می‌باشد. به این صورت که برای سنجش نشاط اجتماعی از پرسشنامه استاندارد شادی آکسفورد که در سال ۱۹۹۰ توسط آرگایل و لو ساخته شده بود، و برای بررسی عوامل تأثیرگذار بر نشاط اجتماعی، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. جامعه آماری تحقیق شامل شهروندان بالای ۱۵ سال شهر بیرجند می‌باشد. توزیع پرسشنامه در سطح محلات شهر بیرجند انجام گردید به این صورت که با توجه به گستردگی پهنه جغرافیایی شهر بیرجند، ۶ پهنه جغرافیایی با ویژگی‌های فضایی و اجتماعی و فرهنگی متفاوت انتخاب شدند. این پهنه‌ها در برگرفته سه گونه بافت شهری متمایز شامل سکونتگاه‌های غیررسمی، بافت قدیمی شهرها، محدوده‌های برنامه‌ریزی شهری شده است.

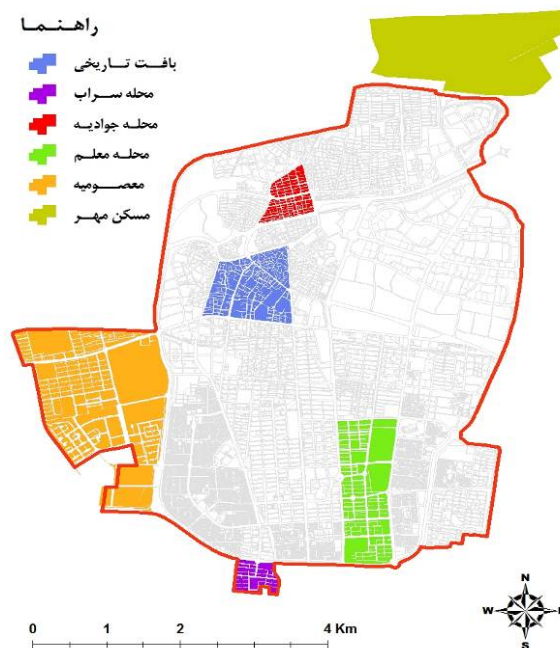
با توجه به جامعه آماری، نمونه آماری تحقیق بر اساس فرمول کوکران برابر با ۳۸۳ نمونه محاسبه گردید که در جهت افزایش کیفیت تحقیق و همچنین عدم تأثیرگذاری پاسخنامه‌های مخدوش بر کیفیت پژوهش، تعداد ۴۰۰ عدد پرسشنامه در بین شهروندان ساکن در محلات و بافت‌های شهری مورد مطالعه در شهر بیرجند توزیع گردید. با توجه به عدم دسترسی به جمعیت محلات مورد مطالعه و همچنین با توجه به حداقل تعداد نمونه مورد نیاز در تحلیل‌های آماری، در بافت تاریخی ۷۰ پرسشنامه و در سایر محلات به طور یکسان ۶۶ پرسشنامه توزیع گردید. پایایی پرسشنامه‌های مورد استفاده بر مبنای ضریب آلفای کرونباخ، برای پرسشنامه شادی آکسفورد ۰/۸۳۶ و برای پرسشنامه عوامل تأثیرگذار بر نشاط و شادی اجتماعی برای شاخص عدالت اجتماعی ۰/۷۶۸، سرمایه اجتماعی ۰/۸۳۰، مشارکت اجتماعی ۰/۷۳۵ و امنیت اجتماعی ۰/۸۳۶ بدست آمد.

محدوده مورد مطالعه، شهر بیرجند با جمعیت بیش از ۱۸۰ هزار نفر در مرکز استان خراسان جنوبی است. این شهر طی سال‌های اخیر و بویژه پس از مرکزیت در استان جدید، اندک‌اندک از شکل سنتی خود فاصله گرفته است و تبدیل به یکی از کانون‌های جمعیت و اشتغال و خدمات در جنوب شرق ایران شده است. با توجه به گستردگی شهر و عدم امکان و ضرورت انتخاب کل پهنه شهر برای انجام پژوهش، شش محدوده به عنوان محلات هدف انتخاب گردیدند. محدوده مسکن مهر به دلیل نوع خاص معماری و تاریخ شکل‌گیری آن انتخاب گردید.

محدوده‌های جوادیه و سراب به عنوان سکونتگاه‌های غیررسمی انتخاب گردیدند. محله معصومیه به عنوان بافتی که شهرسازی بر شهرنشینی مقدم بوده و به صورت علمی شکل گرفته است، انتخاب گردید. محله معلم به عنوان یکی از مناطق برنامه‌ریزی شده و مدرن و بالاشهر بیرجند انتخاب گردید و در نهایت محدوده‌ای هم از بافت قدیمی شهر بیرجند انتخاب گردید (شکل ۱). دلیل انتخاب هر یک از

^۱. Anna & Halina Brdulak

این محلات، شکل‌گیری آنها در دوره‌های مختلف زمانی و نحوه شکل‌گیری آنها می‌باشد، به گونه‌ای که امکان مقایسه میان آنها فراهم گردد.



شکل ۱- موقعیت محدوده‌های مورد مطالعه در شهر بیرجند

یافته‌ها

۱- بررسی تفاوت‌مندی نشاط اجتماعی در محلات مورد مطالعه

برای بررسی نشاط اجتماعی شهروندان، از پرسشنامه استاندارد شادی آکسفورد استفاده گردید. یافته‌ها گویای آن است که وضعیت نشاط اجتماعی شهروندان در نمونه آماری مطلوب نمی‌باشد و کمتر از میانگین است. یافته‌های مربوط به آزمون آنوا نشان داد که به لحاظ امتیاز نشاط اجتماعی تفاوت معنی‌داری بین محلات مورد مطالعه و بافت‌های سه‌گانه مورد بررسی وجود ندارد (جدول ۱). با این وجود، نتایج بدست آمده از یافته‌های توصیفی نمونه آماری به تفکیک محلات مورد مطالعه بیانگر این است که محله جوادیه (اسکان غیررسمی) نسبت به سایر محلات امتیاز بیشتری در نشاط شهروندان کسب کرده است و محدوده معلم (بالاشهر) نیز کمترین امتیاز نشاط اجتماعی را نسبت به محلات دارا می‌باشد. بررسی دقیق‌تر نتایج نشان می‌دهد که بافت‌های حاشیه‌ای و غیررسمی شهر (جوادیه و سراب) امتیاز بالاتری در نشاط اجتماعی شهروندان دارا می‌باشند و در مقابل، محله خیابان معلم که یکی از مناطق بالاشهر، با سابقه و برنامه‌ریزی شده محسوب می‌شود، در پایین‌ترین جایگاه به لحاظ نشاط اجتماعی قرار دارد.

جدول ۱- وضعیت تفاوت نشاط اجتماعی در محلات مورد مطالعه

سطح معنی‌داری	مقدار F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۷۱	۲/۰۴۶	۰/۲۹۳	۵	۱/۴۶۳	بین گروه‌ها
		۰/۱۴۳	۳۹۴	۵۶/۳۵۳	درون گروه‌ها
			۳۹۹	۵۷/۸۱۶	مجموع

بخشی از چرایی این موضوع را می‌توان در یافته‌های مبانی نظری جستجو نمود و آن، این که سکونت در بهترین موقعیت جغرافیایی و موقعیت مناسب اقتصادی، لزوماً با رضایتمندی و نشاط اجتماعی بیشتر همراه نخواهد بود. در واقع تعیین‌کننده‌های دیگری نیز وجود دارند که باید در بررسی نشاط اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند و به نظر می‌رسد شناخت آنها نیازمند مطالعات کیفی و عمیق می‌باشد. همچنین بررسی‌ها نشان داد که محدوده مسکن مهر علی‌رغم نوسازبودن، بعد از محله معلّم دارای پایین‌ترین امتیاز نشاط و شادی اجتماعی می‌باشد و حتی امتیاز آن از محدوده بافت قدیمی شهر که دارای مشکلات متعدد کالبدی و فضایی و خدماتی و اجتماعی می‌باشد، پایین‌تر بوده است. می‌توان از مقایسه یافته‌های این دو محدوده چنین نتیجه گرفت که راه حل‌های کالبدی و ساخت سرپناه (به جای مسکن) لزوماً نمی‌تواند همراه با خود کیفیت زندگی بهتر و نشاط اجتماعی را ایجاد نماید و توجه به ابعاد گوناگون حیات شهری به خصوص ابعاد اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری برای شکل‌دهی فضاهای شهری سرزنده و بانشاط اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

جدول ۲- امتیاز نشاط شهروندان در محلات و بافت‌های شهری مورد مطالعه شهر بیرجند

متغیر پژوهش	بافت برنامه‌ریزی شده				
	بافت قدیمی	محدوده معلّم	محله معصومیه	مسکن مهر	محله جوادیه
نشاط اجتماعی	۲/۵۵	۲/۳۳	۲/۵۸	۲/۵۱	۲/۶۸
	۲/۵۵	۲/۵۹		۲/۶۱	
	۲/۵۸				

۲- تعیین‌کننده‌های فردی نشاط اجتماعی در محلات مورد مطالعه

سن: در جهت بررسی رابطه متغیر سن با نشاط اجتماعی به طور همزمان از آزمون‌های توصیفی و استنباطی استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که به طور کلی رابطه معنی‌دار اما معکوسی بین سن و نشاط اجتماعی در همه محلات مورد مطالعه وجود دارد (جدول ۳) به گونه‌ای که با افزایش سن پاسخگویان از میزان نشاط اجتماعی آنها کاسته شده است. این یافته‌ها با توجه به سطح معنی‌داری برونداد آزمون کوواریانس نیز قابل تأیید است که نشان داد اثر سن بر نشاط اجتماعی با کنترل متغیر نوع محله همچنان پابرجا است. تحلیل‌های توصیفی نیز نشان داد در بین گروه‌های سنی، بالاترین امتیاز مربوط به گروه سنی زیر ۲۰ سال (۲/۸۳) و کمترین امتیاز مربوط

به گروه سنی بین ۵۰ تا ۶۰ سال (۲/۳۶) می‌باشد. نکته مهم دیگر این که در همه گروه‌های سنی، وضعیت نشاط اجتماعی پایین‌تر از میانه نظری بوده که گویای شرایط نامطلوب نشاط اجتماعی در شهر بیرجند می‌باشد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش گورین و دیگران (۱۹۶۰) سازگار بوده و با نتایج پژوهش افشانی (۱۳۹۴) و اورکی و دیگران (۱۳۹۸) منطبق نمی‌باشد.

جدول ۳- همبستگی متغیر سن با نشاط اجتماعی به تفکیک محلات مورد مطالعه

گروه سنی	بافت قدیمی	محلّه معلم	محلّه سراب	محلّه معصومیّه	محلّه جوادیّه	مسکن مهر	کل محلات
ضریب همبستگی	-۰/۲۵۸	-۰/۳۱۰	-۰/۵۱۴	-۰/۳۷۰	-۰/۵۹۳	-۰/۳۱۸	-۰/۳۴۷
سطح معنی‌داری	۰/۰۳۱	۰/۰۱۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱

جنسیت: بررسی تفاوت نشاط اجتماعی بر حسب جنسیت نشان می‌دهد که نشاط اجتماعی مردان (۲/۶۱) اندکی بیشتر از زنان (۲/۵۸) می‌باشد. با توجه به نتایج آزمون تی مستقل و در فاصله اطمینان ۹۵ درصد و با سطح معنی‌داری ۰/۴۱۴ و میزان df برابر با ۳۸۷ و میزان t برابر با ۰/۸۱۸، می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معنی‌داری در نشاط اجتماعی زنان و مردان وجود ندارد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش خادمیان و فرجی (۱۳۹۱) و افشانی (۱۳۹۴) و اورکی و دیگران (۱۳۹۸) انطباق دارد. بررسی‌ها به تفکیک محدوده‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که در محلّه‌های بافت قدیمی، معلم، معصومیّه و مسکن مهر، مردان نسبت به زنان از سطح بالاتری از نشاط اجتماعی برخوردار بوده‌اند و نکته مهم آن که در محدوده‌های اسکان غیررسمی چون سراب و جوادیّه، وضعیت بالعکس محلات فوق می‌باشد و در این محلات سطح نشاط اجتماعی زنان بیشتر از مردان می‌باشد (جدول ۴). در خصوص چرایی این موضوع، دلایل متعددی می‌تواند وجود داشته باشد.

جدول ۴- میانگین امتیاز نشاط اجتماعی محلات مورد مطالعه بر حسب جنسیت

جنسیت	بافت قدیمی	محلّه معلم	محلّه سراب	محلّه معصومیّه	محلّه جوادیّه	مسکن مهر
مرد	۲/۶۰	۲/۷۱	۲/۳۹	۲/۶۱	۲/۶۱	۲/۶۵
زن	۲/۵۱	۲/۵۹	۲/۶۳	۲/۵۶	۲/۷۲	۲/۴۴
میانگین	۲/۵۵	۲/۶۶	۲/۵۵	۲/۵۸	۲/۶۸	۲/۵۱

یکی از این دلایل را می‌توان در منشأ روستایی بخش عمده‌ای از ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی جستجو نمود. زنان در این مناطق با کنده‌شدن از محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع روستایی، علاوه بر دستیابی به سطح نسبتاً بالاتری از رفاه (البته نسبت به وضعیتی که در روستا داشته‌اند)، از امتیاز مهم دیگری نیز برخوردار گشته‌اند و آن آزادی و استقلال بیشتر می‌باشد. آنها می‌توانند با زندگی و گشت‌وگذار در شهر، علاوه بر برخورداری مادی از امکانات رفاهی و خدماتی، از آزادی عمل بیشتری نیز نسبت به هم‌تایان خود در محیط‌های روستایی برخوردار باشند و نقطه مقابل این موضوع برای سایر محدوده‌ها می‌تواند مصداق داشته باشد. یعنی زنان در محدوده های معلم، معصومیّه، بافت قدیمی و مسکن مهر، چون عمدتاً یا متولد شهر بوده‌اند و یا آن که از سابقه بالایی از شهرنشینی برخوردار هستند، دیگر صرف زرق‌وبرق شهری نمی‌تواند آنها را خوشحال و راضی نماید و آنها دارای خواسته‌های به مراتب بالاتری چون

تحصیلات عالی، اشتغال، نقش آفرینی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها و آزادی و استقلال بیشتر و ... می‌باشند و چون نمی‌توانند به آنها دست‌یابند، در نتیجه وضعیت نشاط اجتماعی آنها نیز در مقایسه با مردانشان پایین‌تر می‌باشد.

تأهل: بررسی‌ها نشان می‌دهد که افراد مجرد (با امتیاز ۲/۷۵) نسبت به متأهلین (با امتیاز ۲/۵۵) از نشاط اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. همچنین نتایج آزمون T مستقل نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، مقدار df برابر با ۳۹۸ و میزان t برابر با ۴/۹۱۵ می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معنی‌داری در نشاط اجتماعی زنان و مردان وجود دارد. بررسی‌ها در میان محلات مورد مطالعه نیز گویای وضعیت بهتر نشاط اجتماعی افراد مجرد نسبت به متأهلین می‌باشد. یکی از نکات مهم در یافته‌های پژوهش، عدم‌سازگاری نتایج با برخی پژوهش‌های پیشین است. به عنوان نمونه آرگایل عنوان می‌کند که ازدواج و زندگی خانوادگی به عنوان قوی‌ترین اثر در رضایت و نشاط مورد تأیید قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش اینگلهارت هم گویای است که در اروپا ۸۱ درصد از زنان متأهل از زندگی خود خشنود و یا بسیار خشنود بودند، درحالی که میزان خشنودی افراد مجرد ۷۵ درصد بود (آرگایل، ۱۳۸۳: ۱۱۳-۱۱۹). همچنین نتایج پژوهش افشانی (۱۳۹۴) و اورکی و دیگران (۱۳۹۸) نیز نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین افراد متأهل و مجرد به لحاظ نشاط اجتماعی وجود ندارد که این نتایج با یافته‌های پژوهش ما منطبق نمی‌باشند.

اشتغال: بررسی‌ها در خصوص این متغیر گویای آن است که محصلان (۲/۸۰) و شاغلان (۲/۶۳) نسبت به سایر گروه‌های شغلی از امتیاز بالاتری در نشاط اجتماعی برخوردارند و در مقابل بیکاران (۲/۴۵) و بازنشسته‌ها (۲/۴۹)، کمترین امتیاز نشاط را دارند که این نتایج با یافته‌های پژوهش افشانی (۱۳۹۴) هماهنگ است. همچنین تحلیل‌های استنباطی نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین گروه‌های شغلی براساس میزان نشاط اجتماعی وجود دارد. به عبارتی بهتر، میزان نشاط اجتماعی نمونه آماری مورد مطالعه تحت تأثیر موقعیت شغلی‌شان می‌باشد.

جدول ۵. آزمون تحلیل واریانس برای بررسی تفاوت نشاط اجتماعی در بین گروه‌های شغلی

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی‌داری
۳/۹۶۲	۴	۰/۹۹۰	۷/۲۶۴	۰/۰۰۱
۵۳/۸۵۴	۳۹۵	۰/۱۳۶		
۵۷/۸۱۶	۳۹۹			
				کل

بررسی تأثیر وضعیت شغلی در محلات مورد مطالعه گویای آن است که به جز محدوده مسکن مهر که شاغلین بیشترین امتیاز نشاط اجتماعی را دارند، در سایر محلات عمدتاً گروه محصلان دارای بیشترین امتیاز نشاط اجتماعی هستند. همچنین گروه‌هایی که از پایین‌ترین امتیاز نشاط اجتماعی برخوردارند، به تفکیک محلات متفاوت می‌باشد. به گونه‌ای که در محدوده بافت قدیمی و محله جوادیه گروه بازنشسته، در محدوده خیابان معلم و محله معصومیه افراد خانه‌دار و در محدوده‌های سراب و مسکن مهر افراد بیکار دارای پایین‌ترین امتیاز نشاط اجتماعی می‌باشند. یافته‌های آزمون آنوا به تفکیک محلات مورد مطالعه نشان داد که به ترتیب در محله‌های بافت تاریخی با

مقدار Sig برابر با ۰/۶۳۴، معلم برابر با ۰/۱۰۲، مسکن مهر برابر با ۰/۰۵۸، معصومیه برابر با ۰/۱۳۳ و سراب برابر با ۰/۲۲۳ تفاوت معنی داری در نشاط اجتماعی بین گروه‌های شغلی مشاهده نگردید. این نتایج با یافته‌های پژوهش اورکی و دیگران (۱۳۹۸) انطباق دارد. تنها در محله جوادیه که جزء سکونت‌های غیررسمی شهر می‌باشد در سطح ۹۵ درصد اطمینان با ضریب معنی‌داری ۰/۰۱۱ تفاوت معنی‌داری بین گروه‌های شغلی مشاهده گردید.

جدول ۶- امتیاز نشاط اجتماعی در محلات مورد مطالعه بر حسب وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال	بافت قدیمی	محله معلم	محله سراب	محله معصومیه	محله جوادیه	مسکن مهر
شاغل	۲/۵۸	۲/۷۲	۲/۴۹	۲/۵۶	۲/۷۳	۲/۷۱
بیکار	۲/۵۴	---	۲	۲/۶۳	۲/۵۱	۲
خانه‌دار	۲/۴۸	۲/۴۹	۲/۵۷	۲/۵۱	۲/۵۶	۲/۴۲
بازنشسته	۲/۴۴	۲/۶۲	۲/۰۵	۲/۶۸	۲/۴۹	---
محصل	۲/۶۹	۲/۸۵	۲/۷۸	۲/۷۷	۲/۹۹	۲/۶۲
میانگین	۲/۵۵	۲/۶۶	۲/۵۵	۲/۵۸	۲/۶۸	۲/۵۱

تحصیلات: بررسی‌ها نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات، نشاط اجتماعی نیز در محدوده مورد مطالعه افزایش می‌یابد. یافته‌های مربوط به محلات هدف در این خصوص نیز بیانگر آن است افرادی که از میزان تحصیلات بالاتری برخوردارند، به مراتب دارای وضعیت بهتری به لحاظ نشاط اجتماعی می‌باشند. تحلیل همبستگی بین دو متغیر در کل نمونه نیز گویای وجود همبستگی مثبت و معنی‌دار بین آنها می‌باشد. تحلیل مقایسه‌ای نتایج گویای آن است که یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش افشانی (۱۳۹۴) در یک راستا قرار داد. نتایج پژوهش اورکی و دیگران (۱۳۹۸) در جهت مخالف یافته‌های این پژوهش و گویای رابطه معکوس بین تحصیلات و نشاط هستند و نتایج پژوهش میکائیلی و دیگران (۱۳۹۶) و کلانتری و دیگران (۱۳۹۵) گویای فقدان رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر می‌باشد.

جدول ۷- امتیاز نشاط اجتماعی برای محدوده‌های مورد مطالعه

گروه تحصیلی	بافت قدیمی	محله معلم	محله سراب	محله معصومیه	محله جوادیه	مسکن مهر
ابتدایی	۲/۳۵	۲/۶۳	۲/۱۳	۲/۳۹	۲/۵۱	۲/۳۳
راهنمایی	۲/۵۷	۲/۶۴	۲/۳۲	۲/۳۵	۲/۵۵	۲/۴۸
دیپلم	۲/۶۰	۲/۴۴	۲/۷۱	۲/۶۶	۲/۸۲	۲/۵۶
فوق دیپلم	۲/۴۱	۲/۶۲	۲/۵۲	۲/۶۳	۲/۷۶	۲/۴۷
لیسانس	۲/۶۸	۲/۷۸	۲/۶۰	۲/۶۸	۲/۸۹	۲/۶۵
فوق لیسانس	۲/۴۷	۲/۹۳	۲/۸۴	۲/۳۹	---	۲/۸۹
میانگین	۲/۵۵	۲/۶۶	۲/۵۵	۲/۵۸	۲/۶۸	۲/۵۱

درآمد: یافته‌ها گویای آن است که در محدوده مورد مطالعه، بین متغیر درآمد و نشاط اجتماعی رابطه مثبتی وجود دارد به طوری که بالاترین امتیاز نشاط اجتماعی مربوط به گروه درآمدی ۱ تا ۲/۵ میلیون تومان و پایین‌ترین امتیاز مربوط به گروه درآمدی کمتر از ۴۰۰ هزار تومان می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون همبستگی، گویای رابطه مثبت بین درآمد و نشاط اجتماعی (ضریب همبستگی ۰/۲۲۳ در سطح معنی دار ۰/۰۰۱) شهروندان در محلات مورد مطالعه می‌باشد. بررسی تأثیر درآمد بر نشاط اجتماعی در محلات مورد مطالعه، تأییدکننده مباحث مبانی نظری تحقیق می‌باشد. تحلیل ضرایب همبستگی در محلات مورد مطالعه نشان می‌دهد که در محلاتی که به لحاظ وضعیت اقتصادی و درآمدی شرایط نامناسبی دارند، بین نشاط اجتماعی شهروندان با درآمد آنها همبستگی مثبتی وجود دارد، در حالی که برای مناطقی چون محله معلم و معصومیه که (جزء مناطق بالاشهر محسوب می‌شوند)، بین درآمد خانواده‌ها و نشاط آنها همبستگی وجود ندارد. در واقع، می‌توان گفت درآمد شرط لازم برای زندگی توأم با نشاط می‌باشد، اما شرط کافی نمی‌باشد و در کنار درآمد، مؤلفه‌های بسیار دیگری وجود دارند که باید مورد ملاحظه قرار گیرند.

بررسی‌ها به تفکیک محلات نشان می‌دهد که در همه محله‌ها به جز محله معلم، گروه درآمدی زیر ۴۰۰ هزار تومان از پایین‌ترین سطح نشاط اجتماعی برخوردار هستند و هرچه بر میزان درآمد خانواده‌ها افزوده می‌شود، نشاط آنها نیز افزایش می‌یابد. نتایج آزمون آنوا برای محلات مورد مطالعه نشان داد که تنها در دو محله سراب و جوادیه که جزء سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر می‌باشند تفاوت معنی داری در امتیاز نشاط اجتماعی گروه‌های مختلف درآمدی مشاهده گردید (سطح معنی‌داری محله سراب ۰/۰۰۸ و محله جوادیه ۰/۰۰۰) و در سایر محلات بافت تاریخی، معلم، مسکن مهر و معصومیه تفاوت معنی‌داری در نشاط اجتماعی بین گروه‌های درآمدی مشاهده نگردید. در ارتباط با اثر درآمد در نشاط اجتماعی، نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش چلبی و موسوی (۱۳۸۷) هم راستا می‌باشد اما با نتایج پژوهش اورکی و دیگران (۱۳۹۸) که ناظر بر عدم وجود رابطه بین درآمد و نشاط اجتماعی است، همخوانی ندارد.

۳- تعیین‌کننده‌های اجتماعی نشاط اجتماعی در محلات مورد مطالعه

با توجه به مبانی نظری تحقیق، چهار متغیر عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و امنیت اجتماعی به عنوان تعیین‌کننده‌های اجتماعی نشاط اجتماعی در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج آزمون آنوا گویای آن است که امتیازهای هر چهار متغیر در محلات مورد مطالعه دارای تفاوت معنی‌داری با یکدیگر می‌باشند (جدول ۸). بررسی ضرایب همبستگی بین متغیرهای اجتماعی با نشاط اجتماعی نشان داد که متغیر امنیت اجتماعی دارای همبستگی معنی‌داری با نشاط اجتماعی نمی‌باشد و سه متغیر عدالت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی دارای همبستگی معنی‌دار و مثبتی با نشاط اجتماعی می‌باشند.

جدول ۸- نتایج آزمون آنوا برای بررسی تفاوت تعیین‌کننده‌های اجتماعی نشاط در محلات هدف

		مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F مقدار	سطح معنی‌داری
عدالت اجتماعی	بین گروه‌ها	۶۷/۸۷۵	۵	۱۳/۵۷۵	۵۳/۲۳۲	۰/۰۰۱
	درون گروه‌ها	۱۰۰/۴۷۶	۳۹۴	۰/۲۵۵		
	مجموع	۱۶۸/۳۵۱	۳۹۹			
مشارکت اجتماعی	بین گروه‌ها	۲۷/۲۸۰	۵	۵/۴۵۶	۱۳/۹۱۸	۰/۰۰۱
	درون گروه‌ها	۱۵۴/۴۵۰	۳۹۴	۰/۳۹۲		
	مجموع	۱۸۱/۷۳۰	۳۹۹			
سرمایه اجتماعی	بین گروه‌ها	۱۲/۷۹۰	۵	۲/۵۵۸	۸/۶۳۱	۰/۰۰۱
	درون گروه‌ها	۱۱۶/۷۶۶	۳۹۴	۰/۲۹۶		
	مجموع	۱۲۹/۵۵۶	۳۹۹			
امنیت اجتماعی	بین گروه‌ها	۱۶/۴۸۷	۵	۳/۲۹۷	۱۰/۷۲۶	۰/۰۰۱
	درون گروه‌ها	۱۲۱/۱۲۳	۳۹۴	۰/۳۰۷		
	مجموع	۱۳۷/۶۱۰	۳۹۹			

بررسی نتایج عوامل اجتماعی به تفکیک محلات گویای آن است که در ارتباط با متغیر سرمایه اجتماعی، تنها در بافت قدیمی شهر، رابطه معنی‌داری بین نشاط اجتماعی و سرمایه اجتماعی وجود دارد و در سایر محلات، هیچگونه همبستگی معنی‌داری بین دو متغیر مشاهده نگردید. در ارتباط با متغیر عدالت اجتماعی، در سه محله بافت قدیمی، معلم و سرابی رابطه معنی‌دار و مثبتی بین این متغیر با نشاط اجتماعی مشاهده گردید اما در سه محله دیگر رابطه معنی‌داری مشاهده نگردید. در ارتباط با متغیر مشارکت اجتماعی، تنها در دو محله یافت تاریخی و جوادیه رابطه معنی‌دار و مثبتی بین این متغیر با نشاط اجتماعی مشاهده گردید اما در چهار محله دیگر رابطه معنی‌داری مشاهده نگردید و برای متغیر امنیت اجتماعی نیز در هیچکدام از محلات، رابطه معنی‌داری بین امنیت اجتماعی و نشاط اجتماعی مشاهده نگردید (جدول ۹).

جدول ۹- همبستگی سرمایه اجتماعی با نشاط اجتماعی شهروندان

		تعیین‌کننده‌های اجتماعی نشاط						
کل نمونه	مسکن مهر	محله جوادیه	محله معصومیه	محله سراب	محله معلم	بافت قدیمی		
۰/۱۶۵	۰/۱۴۵	-۰/۰۵۰	۰/۱۳۱	۰/۱۹۹	۰/۱۴۱	۰/۲۴۹	ضریب همبستگی	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۲۴۴	۰/۶۸۹	۰/۲۹۶	۰/۱۰۸	۰/۲۶۰	۰/۰۳۸	سطح معنی‌داری	
۰/۱۲۸	-۰/۰۵۳	-۰/۰۳۶	۰/۰۹۳	۰/۲۵۲	۰/۲۳۳	۰/۲۶۶	ضریب همبستگی	عدالت اجتماعی
۰/۰۱۰	۰/۶۷۵	۰/۷۷۶	۰/۴۵۸	۰/۰۴۱	۰/۰۶۰	۰/۰۲۶	سطح معنی‌داری	
۰/۱۶۶	۰/۰۷۹	۰/۲۷۱	۰/۱۵۸	۰/۱۱۴	۰/۱۰۴	۰/۳۲۷	ضریب همبستگی	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۵۲۹	۰/۰۲۸	۰/۲۰۶	۰/۳۶۱	۰/۴۰۸	۰/۰۰۶	سطح معنی‌داری	
۰/۰۳۸	۰/۱۱۷	۰/۰۷۳	-۰/۱۹۹	-۰/۱۴۰	-۰/۰۴۵	۰/۱۶۵	ضریب همبستگی	امنیت اجتماعی
۰/۴۵۲	۰/۳۴۹	۰/۵۵۹	۰/۱۰۹	۰/۰۷۸	۰/۷۲۳	۰/۱۷۲	سطح معنی‌داری	

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به روند شتابان شهرنشینی و شهرسازی در ایران و گسترش شهرهای کوچک و بزرگ، موضوع کیفیت زندگی شهروندان و چگونگی ایجادکردن حس خوب زندگی (نشاط اجتماعی) در آنها، موضوعی است که باید بیشتر مد نظر پژوهشگران و سیاستگذاران شهری قرار گیرد. این پژوهش با عنایت به این ضرورت، مطالعه نشاط اجتماعی در فضاهای شهری متفاوت را کانون توجه خود قرار داد و برای تحقق این هدف، ۶ محله از شهر بیرجند که در برگیرنده سه گونه بافت غیررسمی، بافت قدیمی و بافت مدرن و برنامه‌ریزی شده بودند، انتخاب گردید. با توجه به گستردگی تعیین‌کننده‌های نشاط اجتماعی، تأکید اصلی پژوهش بر روی عوامل فردی و اجتماعی و تفاوت آنها در فضاهای ناهمگون شهری قرار گرفت. با توجه به یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین نتایج و پیشنهادهای پژوهش به شرح زیر ارائه می‌گردد.

(۱) یکی از نتایج مهم پژوهش، پایین بودن سطح نشاط اجتماعی در کلیه محلات مورد مطالعه می‌باشد؛ این خود می‌تواند زنگ خطر و در عین حال نقطه عطفی باشد برای توجه بیشتر سیاستگذاران و مدیران شهری به موضوع کیفیت زندگی و نشاط اجتماعی در طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری؛

(۲) بررسی‌ها نشان دادند که کالبد و راه حل‌های کالبدی به تنهایی نمی‌تواند به کیفیت زندگی بهتر و نشاط شهروندان منجر شود. در محلات مورد مطالعه، محله مسکن مهر، علی‌رغم نوسازبودن، بعد از محله معلم (به عنوان یکی از محلات مرفه و بالاشهر) دارای پایین ترین امتیاز نشاط و شادی اجتماعی می‌باشد و حتی امتیاز آن از محدوده بافت قدیمی شهر که دارای مشکلات متعدد کالبدی و فضایی و خدماتی و اجتماعی می‌باشد، پایین تر بوده است. توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی در کنار ابعاد کالبدی و حتی پیش از پرداختن به موضوعات کالبدی، ضرورتی است که متأسفانه طی دهه‌های اخیر به تبعیت از رویکردهای مدرنیستی شهرسازی، به فراموشی سپرده شده است و در اکثر مواقع سعی گردیده است با استفاده از راه حل‌های کالبدی، اهداف اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی نیز تعقیب شود؛

(۳) با توجه به یافته‌های پژوهش که گویای ارتباط معکوس بین افزایش سن و سطح نشاط شهروندان می‌باشد و همچنین با عنایت به این که جمعیت ایران رو به سمت افزایش میانگین سنی و پیری دارد، تلاش برای ایجاد بسترهای مناسب برای ارتقاء رضایتمندی و نشاط اجتماعی بزرگسالان و کهنسالان و دیدن آنها در روند سیاستگذاری‌ها و طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری ضرورتی اجتناب ناپذیر می‌باشد؛

(۴) نشاط اجتماعی بیشتر مجردها نسبت به متأهلین، همراه با افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق و سایر متغیرهایی که باعث کاهش نرخ رشد جمعیت در کشور شده‌اند، گویای آن است که این عوامل می‌توانند تأثیرات علت و معلولی متقابلی بر یکدیگر داشته باشند و باعث تشدید فرآیند کاهش تمایل به ازدواج و کاهش نرخ رشد جمعیت گردند. هرچند عوامل تأثیرگذار بر این فرآیندها متعدد و متکثر می‌باشد، با این وجود کیفیت فضای شهری و نقش آن در افزایش رضایتمندی و نشاط اجتماعی خانواده‌ها می‌تواند حداقل با کاهش آسیب های اجتماعی و مشکلات روحی و روانی، زمینه‌ساز کاهش ناسازگاری‌ها در خانواده‌ها گردد. چگونگی طراحی فضای زیست از مقیاس کوچک مسکن تا سطح محله و فضای شهری، چگونگی توزیع خدمات و امکانات شهری، بسترسازی مناسب در سطح محلات برای

گسترش تعاملات و سرمایه‌های اجتماعی و تعلق مکانی از حداقل موضوعاتی است که می‌تواند بر کیفیت زندگی، رضایتمندی و در نهایت نشاط اجتماعی خانواده و فرزندان تأثیرگذار باشد؛

۵) همانگونه که یافته‌های این پژوهش و بررسی‌های پیشینه و مبانی نظری تحقیق نشان داد، درآمد نمی‌تواند به تنهایی تعیین‌کننده کیفیت زندگی بهتر و نشاط اجتماعی بالاتر باشد. تلاش برای شناخت سایر عوامل مؤثر در نشاط اجتماعی به خصوص در فضاهای ناهمگون شهری و برنامه‌ریزی برای بهبود آنها می‌تواند تا حدودی نامالیقات و چالش‌های ناشی از شکاف‌های طبقاتی درآمدی در فضاهای شهری را کاهش دهد. در واقع، تلاش برای بهبود کیفیت محیط شهری به خصوص در مناطق پایین شهر می‌تواند تعلق و دلبستگی افراد به مکان زندگی‌شان را افزایش داده و با افزایش رضایتمندی و ایجاد حس خوب زندگی، زمینه مساعدی را برای ایجاد شهری پایدار فراهم سازد. همانگونه که مطالعات در شهر بیرجند هم نشان داد در محله معلم، افراد با درآمد کمتر از ۴۰۰ هزار تومان بالاترین سطح نشاط اجتماعی را داشته‌اند. این خود گویای آن است که کیفیت مکان و محیط شهری می‌تواند بخشی از تبعات منفی ناشی از درآمد کم را جبران نماید؛

۶) بررسی‌ها در خصوص تعیین‌کننده‌های اجتماعی نشاط در شهر بیرجند نشان داد که علی‌رغم تأکید مطالعات پیشین و مبانی نظری تحقیق بر وجود رابطه مثبت بین مؤلفه‌هایی چون عدالت اجتماعی (Di Martino & Prilleltensky, 2020؛ خادیمان و خان محمدی، ۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی (Chang, 2009; Tsuruta et al, 2018؛ نصرتی نژاد و دیگران، ۱۳۹۴؛ موسوی و دیگران، ۱۳۹۴؛ کلانتری و دیگران، ۱۳۹۵) و مشارکت اجتماعی (گلابی و اخشی، ۱۳۹۴؛ کلانتری و دیگران، ۱۳۹۵؛ عزیزی و دیگران، ۲۰۱۷، Phillips, 1967; Barker & Martin, 2011) با نشاط، در محلات مورد مطالعه و شهر بیرجند نیز رابطه مثبت و معنی‌داری بین این متغیرها و نشاط اجتماعی وجود دارد اما این رابطه چندان قوی نمی‌باشد و نیاز به بررسی‌ها و مطالعات بیشتری برای کشف زوایای پنهان موضوع احساس می‌شود؛

۷) از جمله محدودیت‌های اصلی در فرآیند انجام تحقیقات مربوط به نشاط اجتماعی و شادی، نبود داده‌های طولی قابل اطمینان در خصوص وضعیت نشاط اجتماعی به ویژه در مقیاس شهری و محله‌ای می‌باشد که این موضوع باعث می‌گردد بعضاً نتایج پژوهش‌های مختلف به دلیل استفاده از ابزارهای سنجش متفاوت و یا غیراستاندارد با یکدیگر متفاوت باشد و یا این که نتایج قابل اطمینان نباشند؛

۸) با توجه به این که نشاط اجتماعی مفهومی اجتماعی و فرهنگی است و تعیین‌کننده‌های آن نیز مبتنی بر مقتضیات زمانی و به ویژه مکانی جغرافیای گوناگون متفاوت می‌باشد، نیاز به ساخت ابزارهای استاندارد بومی برای سنجش نشاط اجتماعی به جای استفاده از پرسشنامه‌هایی چون آکسفورد و ... ضروری است؛

۹) با توجه به اهمیت نشاط اجتماعی و نقش عوامل مختلف روانشناختی و جامعه‌شناختی و محیطی در شکل‌گیری آن، ضرورت انجام مطالعات بین‌رشته‌ای بسیار احساس می‌شود.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول مقاله در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری می باشد که در دانشکده جغرافیا و علوم محیطی دانشگاه حکیم سبزواری به انجام رسیده است. نویسندگان مقاله از مساعدت همکاران دانشکده جغرافیا و علوم محیطی و قدردانی و سپاسگزاری می‌نمایند.

منابع

- آرگایل، مایکل (۱۳۸۳). *روان‌شناسی شادی*، (ترجمه مسعودگوهری انارکی و دیگران). تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- افشانی، سید علیرضا (۱۳۹۴). «بررسی میزان نشاط اجتماعی در بین جوانان یزدی و عوامل مرتبط با آن». *تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی*، ۶۹: ۱-۲۷.
- اورکی، پروش؛ رضایی، محمدرضا؛ مبارکی، محمد و اکبریان رونیزی، سعیدرضا (۱۳۹۸). «تحلیل فضایی عوامل مؤثر بر شهر شاد از نگاه شهروندان مطالعه موردی شهر یزد». *شهر پایدار*، ۳(۳)، ۱۹-۳۹.
- بخارایی، احمد؛ صنعتی شرقی، نادر؛ رستمی، شاه‌بختی و شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۷). «تحلیل فضایی نشاط اجتماعی در سطح مناطق شهری مشهد». *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۱۱: ۱۳۴-۱۵۳.
- پوراحمد، احمد؛ حبیبی، لیلا و جعفری مهرآبادی، مریم (۱۳۹۱). نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت شهروندی. *باغ نظر*، ۹(۲۱)، ۲۰-۱۳.
- جمینی، داود؛ جمشیدی، علیرضا و اسمعیلی، زهرا (۱۴۰۰). «بررسی و تحلیل وضعیت شهر شاد و شناسایی تعیین‌کننده‌های آن در فضاهای کوچک شهری (مطالعه شهر روانسر)». *سیاست‌گذاری محیط شهری*، ۴: ۲۸-۱۸.
- حاتمی، یاسر (۱۳۹۹). «خیابانی به نام خیابان شاد نقطه‌ای برای رسیدن به شهر شاد». *مطالعات محیطی هفت حصار*، ۳۳: ۱۲۵-۱۴۰.
- حسینی‌زاده، سیدسعید (۱۴۰۰). «وضعیت نشاط اجتماعی در ایران». تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات- مرکز رصد فرهنگی کشور، چاپ اول.
- حقیقی، محمدعلی؛ حیدری، فائزه و کاظمی، معصومه (۱۳۹۱). معنویت، شادی و محیط کار. *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، ۱۰: ۱۲۹-۱۵۰.
- حکمت‌نیا، حسن؛ موسوی، میر نجف؛ رسولی، محمد و سعیدپور، شراره (۱۴۰۰). «تحلیل سناریوهای مؤثر بر تحقق‌پذیری مؤلفه‌های شهر شاد: مطالعه موردی شهر ارومیه». *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۳۶: ۲۳۵-۲۶۲.
- خادمیان، طلعه و خانمحمدی، افسانه (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر عدالت اجتماعی بر شادمانی اجتماعی جوانان شهر تهران». *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۴(۵)، ۱۰۹-۱۲۵.
- خادمیان، طلعه؛ فرجی، طوبی (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مؤثر در نشاط اجتماعی دانشجویان. *مطالعات جامعه‌شناسی ایران*، ۵: ۱۹-۳۸.
- رضاعلی، منصور؛ نظری، ولی اله؛ غلامی، محمدو صمدیان، مریم (۱۴۰۰). «بررسی عوامل اثرگذار در ایجاد شهر شاد. نمونه موردی شهر همدان». *آمایش جغرافیایی فضا*، ۳۹: ۱۶۷-۱۸۲.
- زکی، محمدعلی (۱۳۹۹). «فرا ترکیب پژوهش نشاط اجتماعی در ایران: ارائه چارچوب و الگویی جامع و یکپارچه؛ بررسی کلیه مقالات ۲۰ ساله علمی پژوهشی سال‌های ۹۸-۱۳۷۸». *مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی*، ۳(۱۲)، ۱-۲۴.

- سجادیان، ناهیدو دامن باغ، صفیه (۱۴۰۰). «تحلیل جغرافیایی نقش مکان بر احساس نشاط شهروندان اهواز براساس شهرشاد». *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۳۹(۳)، ۷۶۱-۷۹۹.
- شریف‌زاده، حکیمه‌السادات؛ میرمحمدتبار، سیداحمد و عدلی‌پور، صمد (۱۳۹۶). «بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی در ایران؛ فراتحلیلی از تحقیقات موجود». *راهبرد فرهنگ*، ۱۰(۴۰)، ۱۸۰-۱۵۹.
- شمس‌الدینی، علی؛ ملکی، سعید و امیری فهلیانی، محمدرضا (۱۳۹۲). «تحلیلی بر میزان رضایتمندی شهروندان از پایداری و سرزندگی محیط زیست شهری با تأکید بر دسترسی به خدمات شهری - نمونه موردی: شهر نورآباد ممسنی». *مطالعات برنامه‌ریزی شهری*، ۱(۴)، ۷۰-۵۳.
- عنبری، موسی و حقی، سمیه (۱۳۹۳). بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان؛ مورد مطالعه: زنان مناطق شهری و روستایی شهرستان دلجان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۱(۱)، ۲۵-۱.
- فهرستی، زهرا و توتونچیان، مهری (۱۳۹۲). شادی و نشاط از دیدگاه فقه با رویکردی بر نظر امام خمینی (ره). *پژوهش‌نامه متین*، ۶۲: ۹۷-۱۲۳.
- کلاترتی، عبدالحسین؛ کشاورز، امراه و مومنی، حسن (۱۳۹۵). «رابطه بین سرمایه اجتماعی و نشاط اجتماعی جوانان شهرستان دهلران». *پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، ۱۰: ۴۱-۷۲.
- گلابی، فاطمه؛ اخشی، نازیلا (۱۳۹۴). «مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی». *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۵۹: ۱۳۹-۱۶۰.
- لطیفی، غلامرضا؛ جمعه‌پور، محمود و گریوانی، سلیمه (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی سرزندگی شهری در محلات مجیدیه جنوبی و سعادت آباد تهران. *مدیریت شهری*، ۳۴: ۲۷-۴۰.
- مازوحی، طاهره؛ جدی آرانی، طیبه‌السادات؛ عسگری، زینب (۱۳۹۱). شادی از منظر مکتب اسلام و روان‌شناسی. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۱: ۱۳۹-۱۲۰.
- موسوی، میرطاهر؛ رفیعی، حسن و قاسم زاده، داود (۱۳۹۴). «بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و شادی در بین شهروندان شهر تهران در سال ۱۳۹۰». *آموزش و ارزشیابی*، ۳۰: ۸۷-۹۸.
- میرشاه جعفری، ابراهیم؛ عابدی، محمدرضا و دریکوندی، هدایت‌الله (۱۳۸۱). شادمانی و عوامل مؤثر بر آن. *تازه‌های علوم شناختی*، ۱۵: ۵۸-۵۰.
- میکائیلی، جعفر؛ خورسندی، مرتضی و همایونی، فاطمه‌السادات (۱۳۹۶). «بررسی نقش عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر شادی - مطالعه موردی جمعیت فعال شهر تهران». *پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، ۱۲: ۴۱-۱.
- نصرتی‌نژاد، فرهاد؛ سخایی ایوب، شریفی حجت (۱۳۹۴). «مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی جوانان و میزان شادکامی آنان». *مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، ۴(۲)، ۱۶۷-۱۴۳.
- نوریان، فرشاد؛ قاضی، رضا و عبدالله پور، سجاد (۱۳۹۹). «ابعاد و راهبردهای شهر شاد در محله‌های مشهد مطالعه موردی: محله طبرسی و محله فارغ‌التحصیلان». *مطالعات شهری*، ۳۶: ۱۱۶-۱۰۱.
- نهادندی، الهام (۱۳۹۹). «بازخوانی فرهنگی مفهوم سرزندگی در شهرهای ایرانی». *هنر و تمدن شرق*، ۲۸: ۴۱-۵۲.
- هدایت‌نژاد کاشی، سیدمصطفی؛ هادیانی، زهره؛ حاجی نژاد، علی و عسگری، علی (۱۳۹۸). «سرزندگی شهری مفهومی میان رشته‌ای - واکاوی اصول، ابعاد و شاخص‌ها». *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۲۰: ۱۰۴-۷۵.
- هزارجریبی، جعفر؛ مرادی، سجاد (۱۳۹۳). نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (مطالعه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی). *مطالعات ملی*، ۶۰: ۳-۲۶.

- Argyle, M. (2001). *The Psychology of Happiness*, Rutledge (second edition).
- Arundel, R., & Ronald, R. (2017). The role of urban form in sustainability of community: The case of Amsterdam. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 44(1), 33–53. <https://doi.org/10.1177/0265813515608640>
- Azizi, M., Mohamadian, F., Ghajarieah, M., & Direkvand-Moghadam, A. (2017). The effect of individual factors, socioeconomic and social participation on individual happiness: A cross-sectional study. *Journal of Clinical and Diagnostic Research: JCDR*, 11(6), 1-4. <https://doi.org/10.7860/JCDR/2017/24658.9982>
- Ballas, D. (2013). What makes a ‘happy city’? *Cities*, 32, 39-50.
- Barker, C. J. & Martin, B. (2011). Participation: the happiness connection. *Journal of Public Deliberation*, 7(1), 1-16.
- Bradburn, N. M., & Caplovitz, D. (1965), *Report of Happiness*. Chicago: Aldine publishing company.
- Brdulak, A., & Brdulak, H. (Eds.). (2017). *Happy City-How to Plan and Create the Best Livable Area for the People*. Springer.
- Camfield, L & Choudhury, K. & Devine, J. (2007). *Wellbeing in Developing Countries ESRC Research Group*, University of Bath, Bath BA2 7AY, UK.
- Chang, W.C. (2009). Social capital and subjective happiness in Taiwan, *International Journal of Social Economics*, 36(8), 844-868.
- Cloutier, S., Jambeck, J., & Scott, N. (2014). The Sustainable Neighborhoods for Happiness Index (SNHI): A metric for assessing a community's sustainability and potential influence on happiness. *Ecological Indicators*, 40, 147-152.
- Cooper, H., Okamura, L., & Gurka, V. (1992). Social activity and subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, 13(5), 573-583.
- Di Martino, S., & Prilleltensky, I. (2020). Happiness as fairness: The relationship between national life satisfaction and social justice in EU countries. *Journal of Community Psychology*, 48(6), 1997-2012.
- Dolan, P., Peasgood, T., & White, M. (2008). Do we really know what makes us happy? A review of the economic literature on the factors associated with subjective well-being. *Journal of Economic Psychology*, 29(1), 94-122.

- Haller, M., & Hadler, M. (2006). How social relations and structures can produce happiness and unhappiness: An international comparative analysis. *Social Indicators Research*, 75(2), 169-216.
- Helliwell, J; R. Layard. & J. Sachs. (2016). *World Happiness Report*. New York: Sustainable Development Solutions Network.
- Hogan, M. J., Leyden, K. M., Conway, R., Goldberg, A., Walsh, D., & McKenna-Plumley, P. E. (2016). Happiness and health across the lifespan in five major cities: The impact of place and government performance. *Social Science & Medicine*, 162, 168-176.
- Kaushik, V., & Jaggi, P. (2011). Predicting Happiness in Urban Males and Females through Perception of Resource Adequacy. *Studies on Home and Community Science*, 5(1), 39-44.
- Kesebir, P. and Diener, Ed. (2008). "In Pursuit of Happiness: Empirical Answers to Philosophical Questions", *Perspectives on Psychological Science*, 3(2): 117-125.
- Krekel, C., Kolbe, J., & Wüstemann, H. (2016). The greener, the happier? The effect of urban land use on residential well-being. *Ecological Economics*, 121, 117-127.
- Litman, T. (2017). *Urban Sanity, Understanding Urban Mental Health Impacts and How to Create Saner, Happier Cities*, Victoria Transport Policy Institute.
- Lu, L., & Argyle, M. (1991). Happiness and cooperation. *Personality and Individual Differences*, 12(10), 1019-1030.
- MacKerron, G., & Mourato, S. (2013). Happiness is greater in natural environments. *Global Environmental Change*, 23(5), 992-1000.
- Mayers, D. (2000). "The Friends and Faith of Happy People", *American Psychologist*, 55:56-57.
- Montgomery, C. (2013). *Happy city: Transforming our lives through urban design*. Penguin UK.
- Nie, P., & Sousa-Poza, A. (2016). Commute time and subjective well-being in urban China. *China Economic Review*, 48, 188-204. <https://doi.org/10.1016/j.chieco.2016.03.002>
- Ott, J. (2005). Level and Inequality of Happiness in Nation: Does Greater Happiness of a Greater Number Imply Greater Inequality in Happiness? *Journal of Happiness Studies*, 6: 397-420.
- Paralkar, S., Cloutier, S., Nautiyal, S., & Mitra, R. (2017). The sustainable neighborhoods for happiness (SNfH) decision tool: Assessing neighborhood level sustainability and happiness. *Ecological Indicators*, 74, 10-18.
- Philips, D.L. (1967a). Mental health status, social participation, and happiness *Journal of Health and Social Behavior*, 18: 285-291.

- Phillips, D. L. (1967b). Social Participation and Happiness. *American Journal of Sociology*, 72(5), 479-488.
- Tiwari, A. K. (2011). Happiness and Environmental Degradation: What Determines Happiness?". *Economics Bulletin*, 31(4), 3192-3210.
- Tsuruta, K., Shiomitsu, T., Hombu, A., & Fujii, Y. (2019). Relationship between social capital and happiness in a Japanese community: A cross-sectional study. *Nursing & Health Sciences*, 21(2), 245-252.
- Van den Berg, M., van Poppel, M., van Kamp, I., Andrusaityte, S., Balseviciene, B., Cirach, M., ... & Smith, G. (2016). Visiting green space is associated with mental health and vitality: A cross-sectional study in four European cities. *Health & Place*, 38, 8-15.
- Veenhoveen, R. (1998). *Two-State Trait Discussions on Happiness*. Social Indicator
- Veenhoven, R. (1998) Two State-Trait Discussions on Happiness. A Reply to Stones et al., *Social Indicators Research* 43, 211–225. <https://doi.org/10.1023/A:1006867109976>
- Veenhoven, R. (2005). Inequality of happiness in nations. *Journal of Happiness Studies*, 6(4), 351-355.
- Völker, S., & Kistemann, T. (2011). The impact of blue space on human health and well-being—Salutogenetic health effects of inland surface waters: A review. *International Journal of Hygiene and Environmental Health*, 214(6), 449-460.
- Zingerle, A. (2000). Simmel on happiness. *Journal of Happiness Studies*, 1(4), 465-477.